

حقوق تجارت

اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد بنحو
اشاعه یا در نتیجه عقدی از عقود حاصل میشود و یا قهری
است مانند حقوقی که برای چند نفر در شیئی از ارث
پیدا میشود. زیرا آنچه مذکور افتاد شرکت اولاً بر دو
قسم است شرکت حقوقی. شرکت تجاری.

شرکت حقوقی را از شرکت تجاری از روی موضوع
آن یعنی مقصودی که برای آن تشکیل میشود تشخیص
میدهند مثل آنکه اگر دو نفر خانه ای را مشترکاً برای
سکونت بخرند در خانه شریک هستند و شرکت آنها در
خانه حقوقی است ولی هرگاه هر یک مبلغی در بین
گذارده و برای خرید و فروش مال التجاره با هم شرکت
میکنند این شرکت شرکت تجاری خواهد بود.

چون اغلب شرکتهای تجاری در نتیجه عقد تشکیل
میشود شرکتهای تجاری را میتوان بدین طریق تعریف
کرد. شرکت تجاری. عقد شرکتهای که بین دو یا چند
نفر برای استفاده از منافع شیئی که شرکاء تهیه کرده اند
منعقد میگردد.

بنابراین تعریف اولاً تمام شرایط اساسی که جهت
صحت عقود لازم است در عقد شرکت نیز باید موجود
باشد. ثانیاً هر شریکی باید در شرکت سهمی داشته و
بموجب ماده ۵۷۵ به نسبت سهم خود در نفع و ضرر
سهم باشد.

شرائط اساسی که برای صحت عقود لازم است ماده
۱۹۰ قانون مدنی همین کرده و آن عبارت است از قصد
و رضای شرکاء ۲ - اهلیت شرکاء ۳ - مشروعیت جهت
شرکت ۴ - موضوع معین.

پس اول شرط تشکیل شرکت موجود بودن قصد و رضای
شرکاء است زیرا غالباً اتفاق می افتد که تاجری یکی از

ثانیاً - در صورتیکه از تقسیم منافع و ضرر بین شرکاء
در شرکت نامه معلوم نگشته و شرکت نامه در این خصوص
ساکت باشد هر چند نظریه آنکه لازمه تشکیل و وجود
شرکت های تجاری نفع و ضرر است و تعیین سهم نفع
و ضرر از مسائل ضروری و حتمیه است و کمتر اتفاق
می افتد که شرکت نامه در این خصوص بکلی ساکت باشد
ولی اگر مورد پیدا کرد البته مطابق ماده ۵۷۵ ترتیب
نفع و ضرر شرکاء نسبت به سهام آنها خواهد بود.

ثالثاً - هرگاه ترتیب تقسیم منافع و ضرر در شرکت
نامه معین شده ولی مخالف ماده ۵۷۵ قانون مدنی است.
ممکن است گفته شود که شرط مزبور فقط باطل است و
شرکت معتبر خواهد بود در صورتی که منافع و ضرری
پیدا شود مطابق ماده ۵۷۵ بین شرکاء تقسیم می گردد
لیکن نظر به آنکه مواد و مقررات مختلفه شرکتهای
ارتباط هائی با یکدیگر دارند الفاء بعضی از مواد و
حفظ برخی از آنها بسا میشود که برخلاف حق و رضای
شرکاء بوده و حتی ممکن است تشکیل شرکت روی شرط
باطل بعمل آمده باشد و بنابراین شرط مزبور مقتضای ذات
شرکت است و حق این است که هم شرط باطل است و هم
مبطل شرکت می باشد.

در شرکت های تجاری

در قانون تجارت ایران تعریف جامعی برای کلیه
شرکتهای دیده نمیشود ولی ماده ۵۷۱ قانون مدنی شرکت
را چنین تعریف میکند.

شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین
متعدد در شیئی واحد بنحو اشاعه - این تعریف
نظر به آنکه قانون تجارت شرکت را تعریف نموده
است شامل شرکتهای حقوقی و تجاری هر دو میگردد.

اجزاء خود را در معاملات تجاری خویش ذی نفع میسازد و بدین معنی که او را از منافع ذی سهم قرار میدهند، این عمل را هم بنحو اطلاق ممکن است شرکت خوانند چه استاد و شاگرد هر دو سهم دارند سهم استاد سرمایه و مؤسسه تجارته و مشتریهای او است و سهم شاگرد عدل و کاز او هر دو از منافع نصیب میگردند ولی چون قصد انعقاد شرکت و ایجاد وضعیتی که بین شرکاء حقیقی موجود میگردد در بین نیست عمل را شرکت نمیگویند بلکه بکنوع اجاره خدمتی است که نزد اجیر ثابت نیست و با میزان منافعی که از معاملات حاصل میشود تمیز می یابد. تاجر میتواند در هر موقعی بخواهد عذر شاگرد یا اجیری را که در منافع خود سهم ساخته است بخواهد و او را از مؤسسه خود خارج کند ولی هرگز شریکی قادر نیست که عذر شریک دیگر را باین سهولت بخواهد شاگرد یا کارگر در قروض و تعهدات شرکت سهم نیست و فقط اگر ضرری متوجه شود نسبت به سهم او از منافع کسر حاصل میشود. از جهت اهمیت شرکاء تابع قواعد عمومی مصرحه در ماده ۲۱۱ قانون مدنی هستند یعنی باید بالغ و عاقل و رشید باشند و مجبور و مفلس نباشند.

جهت شرکت باید مشروع باشد - موضوع

و جهت در اغلب عقود یکی و متحد است پس اگر شرکتی برای تاسیس قمارخانه ایجاد شود جهت آن نامشروع و باطل است. ممکن است جهتی را که شرکت برای آن تشکیل میشود از جهاتی باشد که قانون صراحتاً نامشروع دانسته و ممکن است صراحت قانونی بر عدم مشروعیت جهت موجود و مقتضی ولی مهذا جهت نامشروع باشد. مثل آنکه شرکتی مخالف با انتظامات عمومی یا اعمال مخالف اخلاق حسنه تشکیل شود و در هر صورت همینکه جهت یا موضوع شرکت نامشروع بود شرکت قهراً باطل و فاقد آثار قانونی است.

موجری خانه خود را بموجب عقد اجاره دهد و بعد بطلان عقد اجاره اشلام شود موجر ممکن است مال- الاجاره را که گرفته است پس بدهد ولی از مستاجر ممکن نیست استفاده ای که عبارت از سکونت در خانه باشد مسترد داشت و فقط بعنوان اجرت المثل منفعت را از او میتواند مطالبه کرد و همچنین در اجاره خدمت اجیر ممکن است اجرتی را که گرفته رد کند ولی استرداد منافع از مستاجر ممکن نیست.

در امر شرکت هر گاه در موقع اعلام بطلان شرکاء سهام خود را نپرداخته باشند و شرکت معاملاتی نکرده باشد قهراً نفع و ضرری حاصل نگشته و مثل این است که شرکت اصلاً بوجود نیامده باشد. شرکاء بحالت قبل از شرکت برمیگردند ولی هر گاه بطلان بعد از پرداخت سرمایه و خلط و مزج و وقوع معاملات و وصول نفع و ضرری اعلام شود بر گرداندن شرکاء بحالت قبل از تشکیل خالی از اشکال نیست بلکه غیر ممکن است. سرمایه هایی را که شرکاء از وجه نقد یا مال داده اند ممکن است عین یا قیمت آنها بشرکاء داد ولی اگر سهم الشرکه شریکی بجای وجه نقد یا مال عدل او بوده است عمل را نمیتوان مسترد داشت بهمین جهت است که اثر بطلان در شرکتها نسبت به آتیبه است نه در گذشته و در صورتیکه منافعی قبل از بطلان بین شرکاء تقسیم شده باشد مسترد نمی گردد.

شرائط مزبوره شراط عمومی است که برای صحت هر عقدی لازم است و شرائط مخصوصه شرکتهای تجارتهی آن است که هر شریکی سهمی در شرکت داشته و مطابق ماده ۵۷۵ قانون مدنی در نفع و ضرر سهم باشد. سهم- الشرکه تمام شرکاء لازم نیست وجه نقد باشد. ممکن است شریکی امتیاز نامه یا عمل خود را در شرکت بگذارد در هر صورت داشتن سهم در شرکت از شرائط اساسی است و اگر شرکاء بشخصی که سهمی در شرکت ندارد نصیبی از بهره خود بدهند هبه ایست که از مال خود باو میکنند که آنها نمیتوان شریک در شرکت خوانند.